

عوامل مؤثر بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران

محمدحسین حسین‌زاده بحرینی*

چکیده:

میزان سرمایه‌گذاری در هر کشور، تابع مجموعه‌ای از متغیرهاست که «امنیت سرمایه‌گذاری» در زمره مهم‌ترین آنها به شمار می‌آید. مطالعه درباره میزان امنیت در یک اقتصاد و ترکیب عوامل ناامن‌کننده فضای سرمایه‌گذاری در آن، به دو شیوه امکان‌پذیر است. در شیوه نخست که متضمن رویکردی عینی^۱ به مقوله امنیت است، استحکام یا ضعف نهادهای امنیت‌ساز در کشور مورد توجه قرار می‌گیرند. شیوه دوم متضمن رویکردی ذهنی^۲ به مقوله امنیت است، که میزان امنیت در یک کشور و عوامل امنیت‌زدا و میزان تأثیر هر یک از آن عوامل بر نا امنی محیط کسب و کار، از متقاضیان واقعی امنیت، یعنی سرمایه‌گذاران - بالفعل یا بالقوه - استعلام می‌شود. منطق رویکرد حاضر این است که برای اقدام به سرمایه‌گذاری در یک کشور یا صنعت خاص، «احساس امنیت» از جانب افرادی که متقاضی سرمایه‌گذاری هستند، موضوعیت دارد. در حال حاضر، این شیوه به‌طور مستمر و با قابلیت اطمینان بالا در سطح بین‌المللی انجام می‌شود. در این مقاله عوامل

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد.

- 1 - Objective.
- 2 - Subjective.

ایجادکننده نا امنی در محیط سرمایه‌گذاری ایران، براساس تصویر ارایه شده توسط سازمانهای بین‌المللی برآوردکننده ریسک (که عمدتاً به شیوه دوم متکی هستند) بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری، امنیت، امنیت عینی و ذهنی و شاخصهای امنیت سرمایه‌گذاری.

Archive of SID

مقدمه

ایران کشوری است که در دو قرن اخیر از کمبود سرمایه‌گذاری و تولید رنج برده و دستیابی به نرخ رشد قابل قبول اقتصادی، به مثابه جزء لاینفک توسعه، همواره در صدر اهداف کلیه برنامه‌های عمرانی کشور قرار داشته است. لازمه رشد اقتصادی، تولید بیشتر و سرمایه‌گذاری افزون‌تر است. مقایسه روند تاریخی نسبت I/GDP در ایران و کشورهای مختلف نشان می‌دهد این نسبت در ایران هیچ‌گاه به حد قابل قبولی نرسیده است. جدول ۱، سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی را به قیمت‌های ثابت در پایان هریک از دهه‌های گذشته قرن حاضر نشان می‌دهد.

جدول ۱. نسبت I/GDP به قیمت‌های ثابت در پایان دهه‌های گذشته

سال	نسبت I / GDP (درصد)
۱۳۰۹	۱۱/۶
۱۳۱۹	۴/۳
۱۳۲۹	۱۰/۱
۱۳۳۹	۱۱/۴
۱۳۴۹	۱۳/۵
۱۳۵۹	۱۹/۵
۱۳۶۹	۱۱/۲
۱۳۷۹	۱۴/۶

مأخذ: جولیان باریر، «اقتصاد ایران» (۱۳۰۹ - ۱۳۳۹): اطلاعات آماری (۱۳۳۸ - ۱۳۷۵)، سازمان برنامه و بودجه (۱۳۳۹ - ۱۳۶۹) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آمارهای اقتصادی (۱۳۷۹).
ارقام جدول ۱ گویای این مطلب است که در هفتاد سال اخیر به‌طور میانگین، تنها

حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی واقعی کشور به سرمایه‌گذاری اختصاص یافته است. اگر سرمایه‌گذاری و تولید را با قیمت‌های جاری محاسبه کنیم، سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی در هفتاد ساله اخیر ۲۰ درصد خواهد شد. هریک از این دو، از جهتی برای مقاصد تحلیلی سودمندند: نخست اینکه نسبت I/GDP به قیمت‌های جاری، نشان‌دهنده اهتمام دولت و انگیزه بخش خصوصی برای سوق دادن منابع در اختیارشان به سمت سرمایه‌گذاری است. نسبت I/GDP به قیمت‌های ثابت، با حذف تورم در فرآیندهای محاسبه سرمایه‌گذاری و GDP اندازه واقعی سرمایه‌گذاری در اقتصاد (سرمایه‌گذاری مؤثر) را نشان می‌دهد.

این ارقام اطلاعات زیادی در اختیار ما نمی‌گذارند. برای اینکه بتوانیم با استفاده از ارقام مزبور تصویر روشنی از وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران پیدا کنیم؛ آنها را با ارقام مشابه دیگر کشورها مقایسه نمائیم. کشورهای پاکستان، ترکیه و کره جنوبی برای این مقایسه انتخاب شده‌اند. به منظور یکنواخت بودن ارقام، در همه موارد از قیمت جاری استفاده شده است. جدول ۲ نشان می‌دهد که طی سالهای ۱۹۶۰ - ۱۹۹۹، نسبت I/GDP در ایران، پاکستان، ترکیه و کره جنوبی چگونه تغییر کرده است.

نتیجه این است که در مقایسه با کشوری همچون کره جنوبی و حتی ترکیه در پانزده ساله اخیر دارندگان سرمایه، ایران را - به‌ویژه در سالهای پس از انقلاب - بستر مناسبی برای به کار انداختن سرمایه‌های خود تشخیص نداده‌اند و فرصت‌های دیگر را بر سرمایه‌گذاری در داخل ایران مقدم دانسته‌اند. علت چیست؟

دارنده سرمایه در هنگام اخذ تصمیم برای سرمایه‌گذاری به دو «اطمینان» نیاز دارد؛ نخست: اطمینان از سودآوری قابل قبول پروژه‌ای که به وسیله سرمایه او تأمین مالی می‌شود؛ دوم: اطمینان از عدم تعرض سیاسی، نظامی، حقوقی، فرهنگی و... به سرمایه او که اکنون به صورت ساختمان و ماشین آلات و... است. فقدان سرمایه‌گذاری کافی در ایران به وسیله کدامیک از این دو «اطمینان» توضیح داده می‌شود؟ پژوهش‌های متعددی برای یافتن پاسخ این سوال انجام شده است.

جدول ۲. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری در ایران و

کشورهای منتخب در چهل سال گذشته

Archive of SID

مأخذ: بانک جهانی، شاخصهای توسعه جهانی، ۲۰۰۲.

بخشی معطوف به گزینه دوم است و از طریق بررسی مقولاتی همچون هزینه مبادله و حقوق مالکیت، مشکل اساسی فقدان سرمایه‌گذاری کافی در ایران را، کمبود امنیت دانسته‌اند. رفتار سرمایه‌دار داخلی و خارجی بهترین شاخص و نمایانگر میزان امنیت و سودآوری سرمایه‌گذاری در یک کشور است. عدم اقبال دارندگان سرمایه به سرمایه‌گذاری در یک کشور یا صنعت خاص، نشان‌دهنده جمع‌بندی آنان از مجموعه مؤلفه‌هایی است که دو متغیر «سودآوری» و «امنیت سرمایه‌گذاری» را شکل می‌دهند. سرمایه‌دار خارجی برای آوردن سرمایه خود به ایران رغبتی ندارد. سرمایه‌دار داخلی نیز گزینه‌هایی همچون بکار انداختن سرمایه در فعالیتهای سوداگرانه و غیر مولد یا سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر را بر سرمایه‌گذاری در داخل کشور ترجیح می‌دهد. این رفتار، بهترین «علامت» برای این واقعیت است که دارندگان داخلی و خارجی سرمایه، ایران را بستری مناسب و امن برای سرمایه‌گذاری نمی‌دانند. یکی از کلیدی‌ترین نهادهای موجود در هر اقتصاد، که رکن اصلی «امنیت اقتصادی» را تشکیل می‌دهد، نهاد مالکیت است. مالکیت از نظر ماهیت حقوقی آن، رابطه‌ای است که به موجب قانون میان انسان و «مال» ایجاد می‌شود. براساس این رابطه انسان «حق» می‌یابد تا در مالی که «مملوک» اوست تصرفات مالکانه داشته باشد؛ آن را بفروشد، به دیگری ببخشد، مورد استفاده قرار دهد یا حتی اتلاف نماید. بدیهی است که این حق نیازمند سازوکارهایی است که اعمال آن را برای مالک تضمین و تسهیل نماید. اگر بخواهیم جوامع را به لحاظ جایگاه اقتصادی آنها طبقه‌بندی نماییم، یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها این است که آن جوامع را براساس سازوکارهایی که برای اعمال حقوق مالکیت و تضمین آن در آنها به وجود آمده و «نهادینه» شده است، طبقه‌بندی کنیم. یک مطالعه سریع تاریخی نشان می‌دهد یا دست‌کم این فرضیه را در ذهن رقم می‌زند که نهاد مالکیت همگام با رشد و توسعه اقتصادی جوامع، تکامل یافته است. ابزارهای اعمال مالکیت در جوامع پیشرفته، بیشتر و در جوامع عقب‌مانده، کمتر است. نهادگرایان جدید، این پدیده را براساس مفهوم هزینه مبادله توضیح داده‌اند؛ به این معنی که در اقتصادهایی که حق مالکیت تضمین

شده‌تر و قابل‌استیفاتر است، هزینه مبادله نیز به همان نسبت کمتر است. هریتیج در گزارش سال ۲۰۰۲ خود، از حقوق مالکیت به عنوان «کلید رشد اقتصادی» یاد کرده و خاطر نشان ساخته است که عواملی همچون وضع مقررات جدید، تورم، مالکیت انحصاری دولت بر منابع کمیاب و مانند آن می‌توانند به نقض حقوق مالکیت شهروندان منجر شوند. به همین دلیل، دولتهایی که دستیابی به رشد اقتصادی را مدنظر قرار داده‌اند، باید از هرگونه اقدامی که مالکیت افراد را متزلزل یا مخدوش کند، اجتناب نمایند؛ چرا که کمرنگ شدن حقوق مالکیت، احساس ناامنی را در دارندگان سرمایه تقویت می‌کند و آنان را از دست زدن به سرمایه‌گذاری مورد نیاز جامعه منصرف می‌نماید.

تحقیق حاضر به تجزیه و تحلیل عواملی می‌پردازد که محیط سرمایه‌گذاری در ایران را نا امن ساخته‌اند. برخی از این عوامل عمقی هستند و ریشه در فرهنگ یا ساختار سیاسی کشور دارند و برخی دیگر به رویکرد اقتصادی دولتها، عوامل فرامرزی و عملکرد کارگزاران اقتصادی مربوط می‌شود. تحقیقات انجام شده در سالهای اخیر در زمینه ارتباط میان امنیت محیط سرمایه‌گذاری با سطح سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نرخ رشد اقتصادی عمدتاً با تکیه بر مفهوم نهادهای، رابطه میان «امنیت» و «سرمایه‌گذاری و رشد» را اثبات کرده‌اند.

امنیت، مفهوم قالب‌بندی شده و مشخصی نیست که بتوان آن را مستقیماً مشاهده و اندازه‌گیری نمود. بنابراین تحقیقات در این زمینه بیشتر جنبه ذهنی دارند تا عینی. برخی از تحقیقات تماماً ذهنی هستند. در ادبیات مربوط، داده‌های این پژوهشها تحت عنوان Survey Data شناخته می‌شوند و به‌طور کلی مستند به ذهن ارزیابی‌کنندگان هستند. تحقیق انجام شده توسط «برونتی»، «کیسانکو» و «وِدِر»^۱ (۱۹۹۶) از این نوع است. دسته دیگری از تحقیقات انجام شده برای اندازه‌گیری امنیت سرمایه‌گذاری مبتنی بر مشاهدات عینی اقتصادی همچون نرخ رشد GDP، نرخ تورم، نرخ بیکاری، تراز پرداختها و... است. داده‌های این پژوهشها تحت‌عنوان Hard Data شناخته

1- Brunetti, Kisunko, Weder.

می‌شود و طبق قاعده مستقل از باورهای ذهنی محققان یا سرمایه‌گذاران می‌باشند. بالاخره بخش قابل توجهی از تحقیقات مرتبط با امنیت سرمایه‌گذاری از هر دو نوع داده بهره گرفته‌اند و می‌توان آنها را تحقیقات تلفیقی^۱ نامید. تقریباً همه مؤسسات بین‌المللی و شرکتهای بیمه برای تعیین ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف از روش تلفیقی استفاده می‌کنند. در این مؤسسات معمولاً گروهی از متخصصان^۲ براساس داده‌های عینی و ذهنی مربوط به هر کشور، ریسک سرمایه‌گذاری در آن کشور را براساس اجماع یا اکثریت آرای خبرگان^۳ تعیین می‌کنند.^۴

ریشه‌یابی ریسک سرمایه‌گذاری در ایران از منظر مؤسسات بین‌المللی برآورد کننده ریسک

۱. مؤسسه EIU

EIU مؤسسه تحقیقاتی بین‌المللی است که به‌طور خصوصی و انتفاعی اداره می‌شود و برای بیش از ۲۰۰ کشور جهان از جمله ایران به انجام تحلیلها و پیش‌بینی‌های سیاسی و اقتصادی اقدام می‌کند و چگونگی محیط تجاری آن کشورها را مورد بررسی قرار می‌دهد. EIU در سال ۱۹۴۹ تأسیس شده و مرکز اصلی آن در لندن است. این مؤسسه از همکاری منظم و برنامه‌ریزی شده یک شبکه جهانی متشکل از گردآوردندگان اطلاعات بهره می‌برد. همچنین هیأتی از متخصصین محلی، صحت، دقت و بی‌طرفی گزارشها و ارزیابی‌ها را بررسی می‌کنند. EIU وضعیت ایران را از بعد امنیت و جذابیت سرمایه‌گذاری به‌طور ادواری در نشریات مختلفی همچون Country Risk Service (CRS) ، Country Forcaste (CF) و Country Report بررسی می‌کند.

1 - Objective – Subjective.

2 - Staff.

3 - Pool of experts.

۴ - برای دیدن توضیحی نسبتاً جامع در باره شیوه‌های برآورد ریسک سرمایه‌گذاری توسط مؤسسات برآوردکننده، مراجعه کنید به :

Daniel Kaufmann , Aart Kraay and Pablo Zoido – Libaton , "Governance Mattres" , World Bank , 1999.

الف. فصلنامه CF :

فصلنامه CF با هدف ارایه تصویری از وضعیت آتی کشورها، نمایی از وضعیت اقتصاد کلان ۶۰ کشوری که در مقایسه با سایر کشورها از اقتصادهای بزرگتری برخوردارند را برای یک افق ۵ ساله، ارایه می‌دهد. موضوعاتی که در CF مورد توجه EIU قرار می‌گیرد به شرح زیر است:

وضعیت عمومی، وضعیت سیاسی، ثبات سیاسی، قاطعیت سیاسی، محیط کلان اقتصادی، فرصتهای بازار، سیاستهای توسعه بازار و رقابت بخش خصوصی، سیاست سرمایه‌گذاری خارجی، کنترل تجارت خارجی و ارز، مالیات، تأمین مالی، بازار کار و زیرساختها. برای تعیین نمره کشورهای مورد نظر در هر یک از این حوزه‌ها، EIU به صورت ادواری پرسشنامه‌هایی را متشکل از ۷۰ سؤال کاملاً دقیق و حساب‌شده به صاحب‌نظران یا دست‌اندرکاران کسب و کار ارایه می‌کند و براساس پاسخهای آنها به رتبه‌بندی محیط تجاری کشورها اقدام می‌کند. ارقام جدول ۳، حساسیتهای سرمایه‌گذاران بین‌المللی را در مقوله ریسک سرمایه‌گذاری در ایران از منظر EIU نشان می‌دهد.

ب. فصلنامه CRS

CRS هر یک از مقولات «ریسک سیاسی»، «ریسک سیاست اقتصادی»، «ریسک ساختار اقتصادی»، و «قدرت بازپرداخت بدهی‌ها (درجه نقدینگی تعهدات مالی کشور)» را با یکی از ۵ گزینه E,D,C,B,A ارزیابی می‌کند. هر یک از این حروف متناظر با محدوده نمرات زیر است:

A: 0-20 B: 21-40 C: 41-60 D: 61-80 E: 81-100

EIU برای محاسبه ریسک سیاسی، ریسک سیاست اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و قدرت بازپرداخت بدهی‌ها به کمیتهای کلی پنج‌گانه اکتفا می‌کند و نمره دقیق مربوط به این ریسکها را تعیین نمی‌نماید. نتیجه اینکه با افزودن یا کم کردن تنها یک نمره ممکن است کشوری به گروه ریسک بالاتر یا پایین‌تر انتقال یابد.

جدول ۳. مقدار عددی شاخصهای EIU در مدل رتبه‌بندی محیط تجاری، مورد ایران
(عدد ده در هر مورد - بهترین وضعیت)

شاخص	۱۹۹۷-۱۹۹۸	۱۹۹۸-۲۰۰۲
وضعیت عمومی	۳/۵۵	۳/۱۳
وضعیت سیاسی	۴/۱	۳/۳
ثبات سیاسی	۴/۶	۳/۷
قاطعیت سیاسی	۳/۶	۲/۹
محیط کلان اقتصادی	۵/۱	۵/۲
فرصتهای بازار	۵/۶	۵/۳
سیاستهای توسعه بازار و رقابت بخش خصوصی	۲/۷	۲/۴
سیاست سرمایه‌گذاری خارجی	۲/۷	۲/۱
کنترل تجارت خارجی و ارز	۲/۷	۲/۱
مالیات	۲/۸	۲/۵
تأمین مالی	۲/۹	۱/۸
بازار کار	۳/۳	۳
زیر ساختها	۳/۷	۳/۱

منبع: EIU ، country Forcaste ، 1998 Iran ، 2nd Quarter ، main Report : 1998

EIU در فصلنامه CRS علاوه بر ریسکهای چهارگانه، ریسک کلی کشورها را هم تعیین می‌کند. با این تفاوت که در این مورد علاوه بر اختصاص یکی از حروف پنجگانه، نمره عددی کشور هم مشخص می‌شود. از سال ۱۹۹۷، محاسبه نوع دیگری از ریسک در دستور کار EIU قرار گرفت که نتایج کمی و توضیحات مربوط به آن

در CRS منتشر می‌شود. این ریسک، ریسک سرمایه‌گذاری خاص^۱ نام دارد و منظور از آن، ریسکی است که سرمایه‌گذاری در پول (نگهداری پول)، سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی و سرمایه‌گذاری در بخش بانکی به همراه دارد.

مهم‌ترین ویژگی CRS که برای مقاصد تحلیلی و به منظور پیگیری مسیر تحولاتی که منجر به افزایش یا کاهش امنیت سرمایه‌گذاری می‌شوند، قابل استفاده است این است که ارزیابی‌های کمی در CRS با عبارات توصیفی پشتیبانی می‌شود. به عبارت دیگر، دلایل ارتقا یا تنزل جایگاه کشور و به عبارت دیگر پیشرفت یا پسرفت در نمره ریسک به صراحت تبیین می‌شود. این ویژگی از آن جهت اهمیت دارد که به ما امکان می‌دهد تا عواملی را که به نظر متخصصان EIU بر امنیت سرمایه‌گذاری در ایران تأثیر مثبت یا منفی دارند، شناسایی کنیم. با توجه به تنوع استفاده‌هایی که می‌توان از CRS داشت، نخست ریسک سرمایه‌گذاری در ایران را از نظر EIU به تفکیک ریسک سیاسی، ریسک سیاست اقتصادی، ریسک ساختار اقتصادی و ریسک مربوط به بازپرداخت بدهی‌ها، طی ۲۳ گزارش منتشر شده در جدول ۴ ارائه می‌شود.

طی سالهای مذکور در جدول ۴، ریسک سرمایه‌گذاری در ایران به‌طور کلی در محدوده‌ای میان E(82) و C(48) تغییر کرده است. در مدت انتشار این ۲۳ گزارش، وضعیت ایران به لحاظ امنیت سرمایه‌گذاری بهتر شده است؛ به‌طوری که در سال ۲۰۰۳ ایران در اواسط طبقه C قرار داشته و این بدین معنی است که از دیدگاه EIU، نهادهای موجود در محیط سرمایه‌گذاری ایران حدود یک دوم امنیت مورد نیاز سرمایه‌گذاران را می‌توانند تأمین نمایند. علاوه بر این در تمام ۲۳ گزارش مورد بحث، ایران از نقطه‌نظر ریسک سیاسی در طبقه D قرار داشته است؛ البته باید توجه کرد که طبقه D طیف گسترده‌ای از اعداد (۶۱-۸۰) را می‌تواند به خود اختصاص دهد و از آنجا که در گزارش EIU به عدد متناظر با طبقه ریسک سیاسی اشاره‌ای نشده است، نمی‌توان با اطمینان در مورد نوسانات شاخص مزبور اظهار نظر کرد. ریسک سیاستهای اقتصادی امیدوارکننده بوده و از طبقه E (پرخطرترین طبقه) به طبقه D

جدول ۴. گزارش ریسک سرمایه‌گذاری در ایران طی ۲۳ گزارش پیاپی منتشر شده توسط

EIU

Archive of SID

منبع: گزارشهای ادواری EIU

و سپس طبقه C تغییر وضعیت داده است. ولی ریسک ساختار اقتصادی جز در نیمه

شماره ۱۲۱

دوم سال ۱۹۹۸ و نیمه اول سال ۱۹۹۹ که به دلیل کاهش شدید قیمت نفت و تأثیر آن بر وضعیت تراز پرداختها به طبقه D منتقل شده، در کلیه سالهای مورد بحث در طبقه C باقی مانده است. و در نهایت ریسک مربوط به توان بازپرداخت بدهیها با نوسان بسیار همراه بوده و در مجموع رو به بهبودی بوده است.

از تأمل در چهارستون اخیر جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات ریسک سرمایه‌گذاری در ایران در ۲۳ فصل (دوره سه ماهه) اخیر اساساً از تغییرات در سیاستهای اقتصادی دولت و توان بازپرداخت بدهیها نشأت گرفته است. به عبارت بهتر گفتیم که EIU علاوه بر ریسک کلی سرمایه‌گذاری، مجموعه‌ای از برآوردهای تکمیلی را با عنوان ریسک سرمایه‌گذاری‌های خاص در CRS منتشر می‌کند. برای اینکه معلوم شود تغییرات در ریسک سرمایه‌گذاری‌های خاص چه تأثیری بر ریسک کلی سرمایه‌گذاری در ایران دارد، طبقه ریسک هریک از انواع سه‌گانه سرمایه‌گذاری خاص و عدد متناظر با آن در جدول ۵ ارایه شده است.

از میان انواع سه‌گانه سرمایه‌گذاری‌های خاص، ریسک سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی و سرمایه‌گذاری پولی تقریباً با ریسک کلی سرمایه‌گذاری همراه است؛ اما سومین نوع سرمایه‌گذاری خاص یعنی سرمایه‌گذاری در بخش بانکی کشور همواره پرمخاطره‌تر از میانگین ریسک سرمایه‌گذاری در ایران گزارش شده است. EIU در تحلیل‌های خود، این امر را به مالکیت و مدیریت دولتی بانکها در ایران و اعمال نفوذ دولت بر فرآیند تخصیص اعتبار مستند کرده است.

ج. تحلیل محتوای گزارشهای توصیفی EIU

همان‌طور که گفته شد تحلیل‌هایی که EIU از تغییر رتبه ریسک ایران در مقاطع گوناگون ارایه می‌کند؛ منبع مهم و ارزشمندی برای پی بردن به عوامل امنیت‌زا یا امنیت‌زدا در محیط سرمایه‌گذاری ایران از دیدگاه متخصصان EIU است. برای دستیابی به اهداف تحقیق حاضر، ۳۰ گزارش از جدیدترین گزارشهای CRS بررسی شده است و تحلیل‌های مندرج در آنها بصورت دقیق استخراج، کدگذاری و طبقه‌بندی جدول ۵. ریسک سرمایه‌گذاری‌های خاص در ایران، ارزیابی شده در ۲۳ فصل پیاپی توسط

EIU

Archive of SID

منبع: گزارشهای ادواری EIU

شده است؛ تا معلوم شود از نگاه EIU و به طور غیرمستقیم از نگاه مشتریان EIU که تصمیمات سرمایه‌گذاری خود را بر ارزیابی‌های EIU از محیط سرمایه‌گذاری ایران

شماره ۱۲۱ / ۱۲۲

مبتنی می‌سازند چه عواملی امنیت سرمایه‌گذاری در ایران را افزایش یا کاهش می‌دهند.

حدود ۳۶۰ مورد تحلیل مطرح شده در این ۳۰ گزارش در سه طبقه عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی و عوامل مربوط به سیاست خارجی تقسیم شدند. در هریک از این سه طبقه، طیفی از مسائل جای می‌گیرند: عوامل سیاسی شامل نارضایتی مردم (معطوف به مشکلات اقتصادی از جنبه بیکاری و تبعیض)، جنگ قدرت و ضعف توسعه سیاسی (شامل محدودیت احزاب، نظارت استصوابی و شبهه دستکاری شدن نتایج انتخابات، ضعف آزادی‌های سیاسی، اجتماعی از جمله آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها، ضعف حاکمیت قانون و وجود قدرتهای غیرقانونی در حاکمیت)؛ عوامل اقتصادی شامل ساختار ضعیف اقتصادی، نوسانات قیمت نفت، وضعیت نظام بانکی، نرخ ارز و رژیم ارزی، وضعیت تراز پرداختها و ذخایر ارزی، بدهی‌های خارجی، ضعیف و غیرمطمئن بودن سیاستهای اقتصادی، کسری بودجه، تورم و نگرانی‌های مربوط به رشد عرضه پول و بالاخره عوامل مربوط به سیاست خارجی شامل مواجهه با آمریکا، اوضاع سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای و چگونگی تعامل ایران با دیگر کشورهاست.

توجه به فراوانی نسبی هریک از این عوامل می‌تواند تصویری از عوامل شکل‌دهنده امنیت سرمایه‌گذاری در ایران از منظر EIU برای ما ایجاد کند. فراوانی نسبی هریک از موارد فوق در مجموعه ۳۶۰ تحلیلی که در گزارشهای سی‌گانه اخیر EIU بیان شده در جدول ۶ نشان داده شده است. تأکید بر این نکته ضروری است که فراوانی بیان یک یا چند عامل در گزارشهای ادواری CRS به عنوان عوامل مختل‌کننده امنیت سرمایه‌گذاری، گویای اهمیت عامل یا عوامل مزبور از دیدگاه مؤسسه بین‌المللی EIU است. رهنمود سیاستی این بحث این است که می‌توان با برنامه‌ریزی و تلاش در جهت بهبود هریک از شاخصهای ۱۵ گانه، ذهنیت ارزیابان EIU و دیگر مؤسسات بین‌المللی برآوردکننده ریسک را تغییر داد و آنها را نسبت به اختصاص رتبه‌های مطلوب‌تر به محیط سرمایه‌گذاری ایران ترغیب کرد. در عین حال، می‌بایست به لحن گزارش نیز

توجه شود. به عنوان مثال EIU تأکید می‌کند که از میان عوامل ۱۵ گانه مطرح شده، دو عامل در مقوله امنیت سرمایه‌گذاری در ایران نقش کلیدی ایفا می‌کنند. یکی از این دو عامل، نوسانات قیمت نفت و دیگری جنگ قدرت است. عامل اخیر به لحاظ فراوانی نسبی هم، بیشترین سهم (۱۷ درصد) را به خود اختصاص داده است. از این رو مناسب است اجزا و زیرعاملهای آن را نیز از دیدگاه EIU مطرح کنیم. نیمی از عوامل سازنده این عامل مستقیماً به درگیری جناحها، بخشی به حضور گروه‌های تندرو در داخل نظام و بخشی هم به رابطه و نحوه تعامل مدیران ارشد نظام مربوط می‌شود. فراوانی نسبی عوامل جزئی‌تر در جدول ۷ آمده است.

جدول ۶. فراوانی نسبی عوامل مؤثر در امنیت سرمایه‌گذاری از نظر CRS

فراوانی (%)	عوامل مؤثر
۴	نارضایتی مردم (معطوف به مشکلات اقتصادی از جمله بیکاری و تبعیض)
۵	ضعف توسعه سیاسی (شامل محدودیت احزاب، نظارت استصوابی و شبهه دستکاری شدن نتایج انتخابات، ضعف آزادی‌های سیاسی - اجتماعی از جمله آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها، ضعف حاکمیت قانون، وجود قدرتهای غیرقانونی در حاکمیت)
۱۷	جنگ قدرت در ایران
۵	مواجهه ایران و امریکا
۱۵	ساختار ضعیف اقتصادی
۸	نوسانات قیمت نفت
۵	سیاست خارجی ایران
۱۱	وضعیت نظام بانکی در ایران
۲	اوضاع سیاسی و اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای
۶	نرخ ارز و رژیم ارزی
۱۰	وضعیت تراز پرداختها و ذخایر ارزی ایران
۵	بدهی‌های خارجی ایران
۲	ضعیف و غیرمطمئن بودن سیاستهای اقتصادی
۳	کسری بودجه
۴	تورم و نگرانی مربوط به رشد عرضه پول

منبع: شماره‌های ۱۹۹۷/۱ تا ۲۰۰۳/۱ CRS و محاسبات نویسنده.

جدول ۷. فراوانی زیرعاملهای «جنگ قدرت» در ایران از نگاه EIU

زیر عوامل	فراوانی (درصد)
-----------	----------------

۵۰	درگیری جناحها
۸	مطمئن و شفاف نبودن رابطه رهبران ارشد نظام
۸	قدرت مدیریت رهبری (به عنوان عامل امنیت‌زا)
۴	وجهه کاریزماتیک رهبری (به عنوان عامل امنیت‌زا)
۱۰	موضع‌گیری‌های رهبری در رابطه با جناحها
۵	اختلاف‌نظر میان مسئولان
۵	التزام مسئولان ارشد به حفاظت مشترک از نظام (به عنوان عامل امنیت‌زا)
۱۰	وجود گروه‌های تندرو در داخل نظام

منبع: شماره‌های ۱/۱۹۹۷ تا ۱/۲۰۰۳ CRS و محاسبات نویسنده

۲. بنیاد هریتیج

بنیاد هریتیج مؤسسه‌ای تحقیقاتی - آموزشی است که در سال ۱۹۷۳ در واشنگتن تأسیس شده و تنظیم و ترویج سیاستهای عمومی «محتاطانه» را سرلوحه اهداف خود قرار داده است. بنیاد هریتیج از سال ۱۹۹۵ با همکاری «وال استریت ژورنال» به‌طور سالیانه اقدام به انتشار «شاخص آزادی اقتصادی» می‌نماید. این شاخص ۱۶۱ کشور از جمله ایران را پوشش می‌دهد و «آزادی اقتصادی» و «چشم انداز رشد در اقتصاد جهانی» را در مورد کشورهای تحت پوشش اندازه‌گیری می‌کند. شاخص مزبور امکان مقایسه میان کشورها را فراهم می‌کند؛ و از این طریق، به سرمایه‌گذاران بین‌المللی برای انتخابهای مناسب و تخصیص بهینه منابع رهنمود لازم ارایه می‌کند.

اصولاً رویکرد بنیاد هریتیج به مقوله امنیت سرمایه‌گذاری این است که این دولتها هستند که با «فشار یا اجبار بیش از حد نیاز» عرصه را بر سرمایه‌گذاران تنگ کرده و محیط را برای آنان نا امن می‌سازند. بنابراین، به‌زعم بنیاد هریتیج، «امنیت سرمایه‌گذاری» در جایی مستقر می‌شود که «آزادی اقتصادی» از سوی دولت تأمین و تضمین شده باشد. به همین دلیل است که این بنیاد، کار خود را با این تعریف از آزادی اقتصادی آغاز می‌کند: «آزادی اقتصادی عبارت است از امکان تولید، توزیع و مصرف

کالاها و خدمات، فارغ از فشار یا اجبار بیش از حد نیاز دولت».

بنیاد هریتیج، در جای دیگری با پذیرش این واقعیت که به هر حال همه اقدامات دولت، مستلزم فشار و الزام است، تصریح می‌کند که «حد مورد نیاز» فشار دولت، سطحی از الزام و اجبار است که برای تضمین حقوق مالکیت شهروندان، ضروری است. دقت در مبانی نظری و نقاط عزیمت بنیاد هریتیج، پیوستگی دو مقوله آزادی اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری را در اندیشه و عمل صاحب‌نظران آن آشکار می‌سازد. بنیاد هریتیج برای اندازه‌گیری آزادی اقتصادی، ۵۰ متغیر مستقل را مورد توجه قرار می‌دهد. این ۵۰ متغیر در ده گروه دسته‌بندی شده‌اند که عبارتند از: «سیاست تجاری، بار مالی که دولت بر شهروندان تحمیل می‌کند، دخالت دولت در اقتصاد، سیاست پولی، نقل و انتقال سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی، سیستم بانکی و تأمین اعتبار، دستمزدها و قیمت‌ها، حقوق مالکیت، قوانین و مقررات، فعالیتهای بازار سیاه».

هر شاخص نمرات ۱-۵ گرفته و نمره ۱ نشانه بهترین و نمره ۵ نشانه بدترین وضعیت است. نمره کلی هر کشور، میانگین نمرات ده گانه است. به هنگام محاسبه میانگین، به ده شاخص اصلی، وزن یکسان داده می‌شود. طبق تقسیم‌بندی بنیاد هریتیج کشورهای که نمره کلی آنان کمتر از ۱/۹۵ باشد، «آزاد» یا «امن» تلقی می‌شوند و کشورهای که نمره کلی آنها در محدوده ۲ - ۲/۹۵ قرار دارد، «عمدتاً آزاد» یا «عمدتاً امن» هستند و کشورهای که نمره کلی آنها بین ۳ تا ۳/۹۵ باشد، «عمدتاً غیرآزاد» یا «عمدتاً نا امن» محسوب می‌شوند و در پایان، کشورهای که دارای نمره ۴ به بالا هستند، از فشار بیش از حد نیاز دولت بر اقتصاد رنج می‌برند و عنوان «تحت فشار» یا «نا امن» را به خود اختصاص می‌دهند.

جالب توجه است که از سال ۱۹۹۶ که این شاخص برای ایران محاسبه و گزارش می‌شود، هیچ‌گاه نمره کلی ایران کمتر از ۴/۵۵ نبوده است. در جدول ۸ مقادیر عددی بنیاد هریتیج از شاخصهای ده گانه تشکیل‌دهنده شاخص کلی نشان داده شده‌اند:

جدول ۸. مقدار عددی «شاخص آزادی اقتصادی» در ایران

شاخص	سال
۴/۶۵	۱۹۹۶

۴/۷۰	۱۹۹۷
۴/۶۵	۱۹۹۸
۴/۵۵	۱۹۹۹
۴/۵۵	۲۰۰۰
۴/۷۰	۲۰۰۱
۴/۵۵	۲۰۰۲

منبع: Heritage Foundation index of Economic Freedom, 2002

الف. سیاست تجاری

بنیاد هریتیج به سیاست تجاری ایران نمره ۵ (حمایت‌گرایی بسیار شدید، بدترین وضعیت) اختصاص داده است. بنیاد هریتیج جهت تعیین مقدار عددی این شاخص سه مؤلفه را مد نظر داشته است: الف. میانگین نرخ تعرفه؛ ب. موانع غیر تعرفه‌ای؛ ج. فساد در گمرکات. هرچه میانگین نرخ تعرفه بالاتر باشد، نمره بالاتر به کشور مورد نظر که نشانگر وضعیت بدتر است داده می‌شود. در مواردی که میانگین نرخ تعرفه در دسترس نیست، درآمد حاصل از تعرفه‌ها و عوارض گمرکی به کل واردات، مبنا قرار داده می‌شود. البته ممکن است در کشوری نرخهای تعرفه پایین و موانع غیر تعرفه‌ای هم اندک باشد، اما مأموران گمرک با رشوه‌گیری و فساد (از جمله سرقت کالاها در گمرک) هزینه بالایی را به واردکنندگان و صادرکنندگان تحمیل کنند. به همین دلیل، بنیاد هریتیج در ارزیابی سیاست تجاری کشورها علاوه بر موانع تعرفه‌ای، به میزان فساد در گمرکات نیز توجه می‌کند. طبق گزارش بنیاد هریتیج، ایران از طریق نرخهای تعرفه بالا، ممنوعیت ورود برخی کالاها، الزام به اخذ مجوز و نیز ضبط بسیاری از کالاها پس از عبور از مرز، واردات را کنترل می‌کند. براساس گزارش مزبور، میانگین نرخ تعرفه در ایران ۱۸/۹۳ درصد، (نسبت عوارض اخذ شده از واردات به کل واردات) است و اگر مالیاتهای دیگری را هم که متوجه واردات می‌شود به نرخ تعرفه

اضافه کنیم ، رقم بسیار بالاتری بدست خواهد آمد.

ب - بار مالی که دولت بر شهروندان تحمیل می کند

بنیاد هریتیج مقدار عددی این شاخص را ۴/۵ برای ایران در نظر گرفته است که بیانگر دولت بسیار پرهزینه می باشد. این بنیاد برای نمره دهی به کشورها در این زمینه به نرخ مالیاتها و مخارج دولت توجه می کند. در مورد ایران نرخهای بسیار بالای مالیات باعث اختصاص نمره ۵ و مخارج دولتی زیاد موجب اختصاص نمره ۴ است. پرهزینه بودن دولت بخصوص با توجه به چگونگی تأمین مالی آن، از جهات متعددی می تواند برای امنیت و ثبات اقتصادی ، مخاطره آفرین باشد. بروز کسری بودجه، ایجاد تورم ناشی از افزایش حجم پول، مواجه شدن با بحران بدهی های خارجی در صورت نوسان قیمت کالاهای صادراتی (مثل نفت) و... از آسیبهایی است که به شدت متوجه دولتهای پرهزینه است. نمره بسیار نامطلوبی که ایران در این زمینه گرفته به این معنی است که در صورت بروز رخدادهای پیش بینی نشده، دولت توان حفظ ثبات اقتصادی در حد و اندازه مطلوب را نخواهد داشت.

ج - مداخله دولت در اقتصاد

بنیاد هریتیج مقدار عددی شاخص مداخله دولت در اقتصاد را با توجه به مؤلفه های الف. مصرف دولت؛ ب. مالکیت دولت در صنعت و تجارت؛ ج. درآمد دولت ناشی از مالکیت و تصدی؛ د. ستاده تولید شده توسط دولت تعیین می کند. طبق گزارش هریتیج، دولت در ایران ۱۴ درصد از GDP را مصرف می کند و فعالانه در اقتصاد مداخله می نماید. در سال ۱۹۹۹ ، ۲۱/۹۷ درصد از کل درآمد ایران توسط بنگاه های تولید شده است که دولت مالکیت آنها را در اختیار دارد. هریتیج در گزارش ۲۰۰۲ خود به نقل از EIU می نویسد: «جایگاه بنگاه های در اختیار دولت^۱ در ایران که قرار است در سال ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ ، ۶۵ درصد بودجه را جذب کنند، مبهم است. همچنین بودجه عمومی دولت شفاف نیست.» هریتیج به استناد همین واقعیت ، به ایران نمره ۴ بیانگر مداخله زیاد دولت در اقتصاد را داده است.

د - سیاست پولی

هریتیج، در گزارش ۲۰۰۲ میانگین نرخ تورم از ۱۹۹۱ - ۲۰۰۰ را مبنای ارزیابی خود از سیاست پولی کشورها قرار داده است. میانگین مزبور در ایران ۱۶/۵۱ درصد بوده و ایران بر همین اساس، نمره ۴ بیانگر تورم بالا را به خود اختصاص داده است.

هـ. نقل و انتقال سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی

در محاسبه این شاخص مواردی که مدنظر است عبارتند از: الف. نظام سرمایه‌گذاری خارجی، ب. محدودیتهای مالکیت خارجی بر کسب و کار، ج. محدودیتهایی که در مقابل صنایع و شرکتها برای همکاری با سرمایه‌گذاران خارجی وجود دارد، د. مالکیت خارجی بر زمین، هـ. برخورد یکسان قانون با شرکتهای داخلی و خارجی، و. محدودیتهایی که برای انتقال درآمد به کشور متبوع وجود دارد، ز. دسترسی به منابع تأمین مالی محلی برای شرکتهای خارجی.

نمره ایران در این زمینه ۴ (موانع زیاد) است. نکته قابل توجه این است که شاخص نقل و انتقال سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی برای ایران قبلاً ۵ (موانع خیلی زیاد) بود؛ اما پس از تصویب قانون ۱۵ می ۲۰۰۱ که ملی کردن و سلب مالکیت از دارایی‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی را ممنوع و رفتار یکسان با سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را تضمین کرده است، نمره ایران بهتر شده و از ۵ به ۴ تغییر یافته است.

و. نظام بانکی و تأمین مالی

بنیاد هریتیج در محاسبه این شاخص به موارد زیر توجه می‌کند: الف. بانکهای با مالکیت دولتی، ب. محدودیت بانکهای خارجی برای افتتاح شعبه در کشور میزبان، ج. نفوذ دولت بر فرآیند تخصیص اعتبار، د. مقررات دولتی، هـ. آزادی ارایه هرگونه خدمات بانکی، اوراق مالی و پوششهای بیمه‌ای.

نمره ایران با توجه به وضعیت زیرشاخصهای فوق ۵ (محدودیت بسیار زیاد) است. در زیر فصل قبل هم دیدیم از عواملی که در محاسبات EIU برای تعیین نمره ریسک ایران به‌طورمستمر تأثیر منفی داشته و باعث افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در کشورمان شده است، نحوه مدیریت بانکها و اعمال نفوذ دولت بر فرآیند تخصیص

اعتبار می‌باشد.

ز - مزدها و قیمت‌ها

این شاخص در برگیرنده مجموعه اقدامات دولتی است که می‌تواند برای سرمایه‌گذار در دو عرصه تولید (انجام هزینه) و عرضه (کسب درآمد) ایجاد ناامنی کند. زیر شاخصهای زیر در این زمینه مورد توجه بنیاد هریتیج قرار می‌گیرند: الف. حداقل مزد، ب. آزادی در قیمت‌گذاری، ج. کنترل دولت بر قیمت‌ها، د. سوبسیدهای دولتی که قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنیاد هریتیج در مورد شاخص «مزدها و قیمت‌ها» به ایران نمره ۴ (مداخله زیاد) داده و معتقد است که دولت ایران همچنین از طریق بخش عمومی گسترده، قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدین وسیله می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را مورد تهدید قرار دهد.

ح. حقوق مالکیت

از نظر بنیاد هریتیج، تضمین حقوق مالکیت کلیدی‌ترین عنصر «آزادی اقتصادی» و «امنیت سرمایه‌گذاری» است. در مقدمه مقاله نیز از این بنیاد نقل کردیم که حقوق مالکیت به معنی عام کلمه مباحثی همچون منع مالکیت انحصاری دولت بر منابع کمیاب، منع دولت از ایجاد تورم و وضع مقررات متناقض و ناامن کننده محیط کسب و کار را نیز در بر می‌گیرد. از این معنی عام که بگذریم، بنیاد هریتیج مفهوم حقوق مالکیت را در محدوده خاصی نیز به عنوان یکی از شاخصهای ده گانه شکل‌دهنده آزادی اقتصادی مطرح کرده است. حقوق مالکیت در این معنی خاص از زیر شاخصهای زیر تشکیل شده است: الف. استقلال دستگاه قضائی از فشار دولت، ب. نظام تجاری که قراردادهای را تعریف می‌کند و اجرای آنها را ممکن می‌سازد، ج. الزام آور بودن حاکمیت خارجی در مورد اختلاف در اجرای قراردادها، د. سلب مالکیت توسط دولت، ه. فساد در دستگاه قضایی، و. زمان‌بر بودن فرآیند دادرسی، ز. تضمین و حراست قانونی از مالکیت خصوصی. متأسفانه نمره ایران در این شاخص کلیدی ۵ (حفاظت بسیار کم، بدترین وضعیت) است. بنیاد هریتیج در گزارش ۲۰۰۲ خود تصریح کرده است که:

«حقوق مالکیت در ایران محافظت نمی‌شود. دستگاه قضائی مستقل نیست و تحت تأثیر دولت و مراجع مذهبی می‌باشد. دستگاه مزبور به عنوان ابزار اصلی دولت برای محدود کردن آزادی در جامعه تلقی می‌شود».

ط. قوانین و مقررات

منظور از شاخص قوانین و مقررات در ادبیات بنیاد هریتیج این است که آیا در کشور مورد نظر قوانین و مقررات، کارکرد نهادی واقعی و مطلوب دارند و برای تنظیم روابط میان دولت و شهروندان و شهروندان با یکدیگر به خوبی ایفای نقش می‌کنند؟ وجود قوانین زیاد زمینه را برای فساد آماده می‌کند و اصحاب کسب و کار در برخی موارد درباره قوانین دچار عدم اطمینان می‌شوند. برخی از زیر شاخصهای شاخص قوانین و مقررات بدین قرارند:

الف. نیاز به اخذ مجوز برای شروع فعالیتهای اقتصادی، ب. ساده بودن یا نبودن اخذ مجوز، ج. فساد در دستگاه اداری، د. کیفیت قوانین. متأسفانه در این زمینه هم، ایران از منظر بنیاد هریتیج نمره ۵ (بسیار بالا، بدترین وضعیت) را به خود اختصاص داده است.

ک. بازار سیاه

بنیاد هریتیج در این زمینه از شاخص CDI^۱ که TI^۲ آن را تولید می‌کند استفاده می‌نماید. مباحثی همچون تجاوز به مالکیت فکری، قاچاق کالاها و خدمات و... در این شاخص مورد توجه هستند. بنیاد هریتیج با اشاره به اینکه در ایران به خاطر کنترل دولت بر قیمت و سطح واردات و دیگر ممنوعیتهای وارداتی، بازار سیاه رواج دارد، نمره ایران را در این زمینه ۵ (بدترین وضعیت) ارزیابی کرده است.

۳. Freedom House (FH)

FH سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۴۱ با هدف تشویق ارزشهای مردم سالارانه در کشورها پایه‌گذاری شده است. این مؤسسه از سال ۱۹۷۲ اقدام به انتشار

1 - Corruption Perception Index.

2 - Transparency International.

گزارش سالیانه می‌کند که در آن وضعیت آزادی در کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در ارزیابی FH دو مقوله « حقوق سیاسی» و «آزادی‌های مدنی» مورد توجه قرار می‌گیرد.

اختصاص مقادیر عددی به این شاخصها بدین صورت است که FH به هر کشور در مورد هر یک از این دو شاخص نمره‌ای در محدوده ۱ تا ۷ اختصاص می‌دهد. نمره ۱ نشان‌دهنده بهترین وضعیت و نمره ۷ نشان‌دهنده بدترین وضعیت است. پس از تعیین نمره دو شاخص «حقوق سیاسی» و «آزادی‌های مدنی»، با توجه به میانگین آن، یکی از سه گزینه PF^۱ با میانگین دو شاخص ۳-۵/۵، F^۲ با میانگین دو شاخص ۱-۲/۵ و NF^۳ با میانگین دو شاخص ۵/۵-۷ را به کشور مورد نظر اختصاص می‌دهد. اگر میانگین دو شاخص «حقوق سیاسی» و «آزادی‌های مدنی» در مورد کشوری ۵/۵ باشد، (۵ و ۶ یا ۶ و ۵)، ممکن است آن کشور PF یا NF تلقی شود. گروهی از صاحب‌نظران با توجه به وضعیت کشور مورد نظر، این محاسبه را انجام می‌دهند. از ارزیابی‌ها و شاخص‌سازی‌های FH برای شناخت «عوامل عمقی» در بحث امنیت سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود. از نقطه نظر FH امنیت سرمایه‌گذاری در فضایی که در آن مردم سالاری حاکم نیست، به وجود نمی‌آید. در مستندات FH، مردم سالاری به عنوان نظامی سیاسی شناخته می‌شود که در آن «مردم، زمامداران خود را آزادانه از میان گروه‌ها و افراد رقیب که توسط دولت تعیین نشده‌اند، انتخاب می‌کنند»^۴.

بدیهی است که همگون نبودن ارزشهای حاکم بر افکار عمومی جوامع باعث می‌شود که مؤسساتی همچون FH نتوانند سیستمهای سیاسی ملل مختلف را به درستی بشناسند و ارزیابی و تحلیل کنند؛ اما به دلیل اعتبار بین‌المللی چنین مؤسساتی، گزارشهای آنها، هم توسط دیگر مؤسسات بین‌المللی برآورده ریسک و هم توسط افراد و مؤسسات سرمایه‌گذار مورد توجه و عمل قرار می‌گیرد. از

1 - Partly Free

2 - Free

3 - Not Free

۴. برای توضیحی جامع‌تر مراجعه کنید به وب سایت مؤسسه Freedom House، قسمت Methodology.

همین‌رو لازم است در هر کار تحقیقی گسترده‌ای که در زمینه امنیت سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد، تصویری که این نهادها از وضعیت موضوعاتی همچون «حقوق سیاسی»، «آزادی سیاسی»، «مردم سالاری» و... در کشورها ارائه می‌دهند، با دقت و حساسیت مضاعفی مورد توجه قرار گیرد. جدول ۹ مقادیر عددی دو شاخص «حقوق سیاسی» و «آزادی‌های مدنی» و جمع‌بندی کلی مؤسسه FH از اوضاع ایران را برای سالهای ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۲ نشان می‌دهد.

تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران بین‌المللی در جستجوی عوامل عمقی ناامنی سرمایه‌گذاری در ایران، به منابعی همچون FH متکی هستند و علامتهایی را که از جدول ۹ می‌گیرند در ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری خود مورد استفاده قرار می‌دهند.

۴. Political Risk Service (PRS)

PRS شعبه‌ای از مؤسسه (IBC) است که در سال ۱۹۸۰ در نیویورک تأسیس شده و وظیفه جمع‌آوری اطلاعات کشورهای مختلف به منظور اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران را به عهده دارد. PRS از سال ۱۹۸۲ مجموعه‌ای از شاخصهای امنیت سرمایه‌گذاری را تحت عنوان (ICRG)^۲ تولید و منتشر می‌کند. ICRG از سه گروه شاخص تشکیل می‌شود: شاخصهای سیاسی، شاخصهای مالی و شاخصهای اقتصادی که هرکدام از این شاخصها به نوبه خود از چندین زیر شاخص تشکیل می‌شوند. در مجموعه ICRG علاوه بر سه شاخص سیاسی، مالی و اقتصادی، یک شاخص مرکب با نام Composite Risk وجود دارد که از ترکیب سه شاخص مزبور به دست می‌آید.

جدول ۹. وضعیت «حقوق سیاسی، آزادی‌های مدنی» در ایران از نظر FH

(عدد ۱ بهترین وضعیت و عدد ۷ بدترین وضعیت)

- 1 - Investment Business With knowledge.
- 2 - International Country Risk Guide.

ICRG برای ریسک سیاسی (PR) ۱۰۰ امتیاز و برای ریسک مالی (FR) و ریسک اقتصادی (ER) هر کدام ۵۰ امتیاز در نظر می‌گیرد. همچنین ریسک مرکب (CR) براساس فرمول $CR=0/5(PR+FR+ER)$ محاسبه می‌شود. بدین ترتیب حداکثر امتیاز ریسک مرکب ۱۰۰ خواهد بود. ICRG کشورها را با توجه به عددی محاسبه شده ریسک مرکب آنها به ۵ گروه تقسیم می‌کند:

جدول ۱۰. طبقه‌بندی کشورها در سیستم ICRG

طبقه ریسک	عدد ریسک مرکب
خیلی بالا	۰ - ۴۹/۵
بالا	۵۰ - ۵۹/۵
متوسط	۶۰ - ۶۹/۵
پایین	۷۰ - ۸۴/۵
خیلی پایین	۸۵ - ۱۰۰

از این رو در ICRG هرچه عدد شاخص بیشتر باشد، وضعیت کشور بهتر است. در جدول ۱۱ ریسک مرکب در ایران از نظر ICRG نشان داده شده است.

جدول ۱۱. ریسک مرکب در ایران از نگاه ICRG

سال	عدد ریسک	طبقه ریسک	سال	عدد ریسک	طبقه ریسک
۱۹۸۴	۳۵/۵	خیلی بالا	۱۹۹۴	۶۸/۵	متوسط
۱۹۸۵	۳۶	خیلی بالا	۱۹۹۵	۶۷	متوسط
۱۹۸۶	۳۶	خیلی بالا	۱۹۹۶	۷۲	پائین
۱۹۸۷	۳۵	خیلی بالا	۱۹۹۷	۷۱	پائین
۱۹۸۸	۳۷	خیلی بالا	۱۹۹۸	۶۷	متوسط
۱۹۸۹	۳۸	خیلی بالا	۱۹۹۹	۶۳/۳	متوسط
۱۹۹۰	۴۷/۵	خیلی بالا	۲۰۰۰	۶۵/۳	متوسط
۱۹۹۱	۵۴	بالا	۲۰۰۱	۶۹/۳	متوسط
۱۹۹۲	۶۰	متوسط	۲۰۰۲	۶۳/۸	متوسط
۱۹۹۳	۶۷/۵	متوسط			

منبع: ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

در اینجا ده عامل از عوامل سازنده ریسک مرکب در ایران را بررسی می‌کنیم:

الف. ثبات دولت

این شاخص که قبلاً با نام Political Leadership توسط ICGR محاسبه و نشر می‌شد و از سال ۱۹۹۵ تحت عنوان Government stability محاسبه و منتشر می‌شود، میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و درجه احتمال تداوم سیاستهای جاری در صورت مرگ یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص می‌تواند ارقام صفر تا ۱۲ را اختیار کند. عدد ۱۲ نمایانگر بالاترین درجه امنیت و عدد صفر نشانگر بالاترین درجه ناامنی ناشی از بی‌ثباتی دولت است. جدول ۱۲ تغییرات این شاخص را در ایران نشان می‌دهد:

جدول ۱۲. تغییرات شاخص ثبات دولت در ایران در ۱۹ سال گذشته

تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص	سال
۶٪	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۶٪	۱۹۸۴ (۱۳۶۳)
۶٪	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۵٪	۱۹۸۵ (۱۳۶۴)
۸٪	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۶٪	۱۹۸۶ (۱۳۶۵)
۱۰٪	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۷٪	۱۹۸۷ (۱۳۶۶)
۹٪	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۳٪	۱۹۸۸ (۱۳۶۷)
۱۰٪	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۲٪	۱۹۸۹ (۱۳۶۸)
۹٪	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۶٪	۱۹۹۰ (۱۳۶۹)
۷٪	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۹٪	۱۹۹۱ (۱۳۷۰)
۹٪	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۹٪	۱۹۹۲ (۱۳۷۱)
		۸٪	۱۹۹۳ (۱۳۷۲)

منبع: ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

ب. حاکمیت نظم و قانون

این شاخص در مجموعه شاخصهای ICRG با نام Law and order tradition و سپس Law and order شناخته شده است. این شاخص میزان احترام عملی که شهروندان و دولتمردان یک کشور، برای نهادهایی که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلافات ایجاد شده‌اند، قائل هستند را اندازه‌گیری می‌کند. در کشورهایی که شاخص LAO آنها مقادیر بالایی اختیار می‌کند، قوانین و سنتهای ایجادکننده نظم، محکم و مستقر و مورد قبول اکثریت قاطع جامعه بوده و نهادهای سیاسی، سیستم دادرسی و مقررات مورد نیاز برای استمرار یا انتقال قانونمند قدرت در آن کشورها ایجاد شده و تکامل یافته‌اند. این شاخص مقادیر صفر تا ۶ را اختیار می‌کند. که ۶ نشانگر بهترین وضعیت است.

جدول ۱۲. تغییرات شاخص «حاکمیت نظم و قانون» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۲/.	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۵/.
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۲/.	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۵/.
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۲/.	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۵/.
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۲/.	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۵/.
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۱/.	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۵/.
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۱/.	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۵/.
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۱/.	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۵/.
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۳/.	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۴/.
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۳/.	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۴/.
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۴/.		

منبع : ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

ج. فساد در دولت

این شاخص، درجه فساد دولتی را معین می‌کند. برخی از اشکال فساد از نظر ICRG عبارتند از: تقاضای وجه اضافی و رشوه در هنگام اخذ مجوز صادرات یا واردات، تعیین مالیات، اخذ وام و... همچنین مسائلی از قبیل پارتی‌بازی، قوم و خویش‌پرستی، واگذاری مشاغل به آشنایان و... نیز بدلیل اینکه محیط را برای سرمایه‌گذاری ناامن می‌کنند، در هنگام محاسبه شاخص فساد در دولت مورد توجه قرار می‌گیرند. این شاخص می‌تواند مقادیر صفر تا ۶ را اختیار نماید.

جدول ۱۴. تغییرات شاخص «فساد در دولت» در ایران

تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص	سال
۴/.	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۳/.	۱۹۸۴ (۱۳۶۳)
۴/.	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۳/.	۱۹۸۵ (۱۳۶۴)
۴/.	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۳/.	۱۹۸۶ (۱۳۶۵)
۴/.	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۳/.	۱۹۸۷ (۱۳۶۶)
۴/.	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۳/.	۱۹۸۸ (۱۳۶۷)
۴/.	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۳/.	۱۹۸۹ (۱۳۶۸)
۴/.	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۳/.	۱۹۹۰ (۱۳۶۹)
۲/۵	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۳/.	۱۹۹۱ (۱۳۷۰)
۲/.	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۲/.	۱۹۹۲ (۱۳۷۱)
		۴/.	۱۹۹۳ (۱۳۷۲)

منبع: ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran:

د. پاسخگویی دولت در برابر مردم و نهادهای دموکراتیک

از سال ۱۹۸۴ شاخصی تحت عنوان Political Party Development توسط ICRG محاسبه و منتشر می‌شود. این شاخص بعداً به Party Development و از سال ۱۹۹۵ به Democratic Accountability تغییر نام یافت. پیشینه نامگذاری این شاخص به خوبی گویای این مطلب است که کارکرد آن، اندازه‌گیری مفهوم توسعه سیاسی در قالب گسترش احزاب است. این شاخص مقادیر ۰ - ۶ را انتخاب می‌کند که عدد صفر نشانه بدترین و عدد ۶ نشانه بهترین وضعیت است.

جدول ۱۵. تغییرات شاخص «پاسخگویی دولت در برابر مردم و نهادهای دموکراتیک» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۱/.	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۴/.
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۲/.	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۴/.
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۲/.	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۳/.
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۲/.	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۳/.
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۳/.	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۴/.
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۲/.	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۴/.
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۲/.	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۳/.
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۲/.	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۳/.
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۴/.	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۳/.
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۴/.		

منبع: ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

هـ. خطر بی‌اعتنائی به قراردادهای و مصادره سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی توسط دولت تا سال ۱۹۹۵، ICRG، دو شاخص جداگانه تحت عناوین «بی‌اعتنائی به قراردادهای توسط دولت»^۱ و «سلب مالکیت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی»^۲ منتشر می‌کرد. دو شاخص مزبور خطراتی را که از ناحیه دولت به شکل مصادره دارایی سرمایه‌گذاران، تغییر و تبدیل در قراردادهای، به تأخیر انداختن تعهدات و مانند آن متوجه سرمایه‌گذاران می‌شود، اندازه‌گیری می‌کند. به دلیل همبستگی بالا، از سال ۱۹۹۵ این دو شاخص با یکدیگر ترکیب شدند و شاخص جدیدی تحت عنوان Investment Profile ساخته شد. خطراتی که مستقیماً از ناحیه دولت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تهدید می‌کند، در این شاخص مورد توجه قرار می‌گیرد. این شاخص مقادیر ۰ - ۱۲ را اختیار می‌کند. که ۰ بدترین و ۱۲ بهترین وضعیت است.

جدول ۱۶. تغییرات شاخص «خطر بی‌اعتنائی به قراردادهای و مصادره سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی توسط دولت» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۵٪	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۵٪
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۵٪	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۵٪
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۵٪	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۵٪
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۵٪	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۸٪
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۵٪	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۵٪
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۳٪	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۵٪
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۴٪	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۵٪
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۷٪	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۷/۵
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۶٪	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۵/۵
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۵٪		

منبع: ICRG, PRS, Group, Country Data Wizard, Iran

۱۴۹ 1 - Repudiation of Contracts By Government.
2 - Expropriation of Private investments.

و. شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت

تا سال ۱۹۹۵ شاخصی به نام Economic Expectations Versus Reality توسط ICRG منتشر می‌شد که امنیت حاصل از به واقعیت پیوستن انتظارات اقتصادی مردم و به عبارت دیگر امنیت حاصل از تحقق وعده‌های اقتصادی دولت را اندازه‌گیری می‌کرد. هرچه فاصله میان انتظارات مردم که از وعده‌های مسئولان ناشی شده است و واقعیات اقتصادی جامعه بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری در آن جامعه با ناامنی و ریسک بیشتری همراه است. متقابلاً در جوامعی که شکاف میان «آنچه به مردم وعده داده شده» و «آنچه به واقعیت پیوسته» کمتر باشد، امنیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری وجود دارد. شاخص مزبور از سال ۱۹۹۵ به بعد با نام Socioeconomic Conditions منتشر می‌شود. محدوده تغییرات این شاخص بین ۰ - ۱۲ است.

جدول ۱۷. تغییرات شاخص «شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت» در

ایران

تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص	سال
۶٪	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۵٪	۱۹۸۴ (۱۳۶۳)
۵٪	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۵٪	۱۹۸۵ (۱۳۶۴)
۶٪	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۴٪	۱۹۸۶ (۱۳۶۵)
۵٪	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۳٪	۱۹۸۷ (۱۳۶۶)
۵٪	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۳٪	۱۹۸۸ (۱۳۶۷)
۵٪	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۳٪	۱۹۸۹ (۱۳۶۸)
۵٪	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۴٪	۱۹۹۰ (۱۳۶۹)
۶٪	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۷٪	۱۹۹۱ (۱۳۷۰)
۶٪	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۶٪	۱۹۹۲ (۱۳۷۱)
		۶٪	۱۹۹۳ (۱۳۷۲)

منبع : ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

ز. خطر بروز تنشهای قومی

این شاخص، خطر بروز تنشهای نژادی و قومی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص قبلاً با نام Racial and national tensions و در حال حاضر با نام Ethnic tensions منتشر می‌شود و مقادیر ۰-۶ را اختیار می‌کند.

جدول ۱۸. تغییرات شاخص «خطر بروز تنشهای قومی» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۱٪	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۶٪
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۲٪	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۶٪
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۲٪	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۶٪
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۲٪	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۵٪
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۲٪	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۵٪
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۲٪	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۵٪
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۲٪	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۵٪
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۳٪	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۵٪
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۴٪	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۴/۵
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۵٪		

منبع : ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

ح. خطر بروز درگیری داخلی

از سال ۱۹۸۴ دو شاخص با نامهای «خشونت سیاسی^۱» و «خطر بروز جنگ داخلی^۲» توسط ICRG منتشر می‌شد که بعداً نام آنها به ترتیب به «تروریسم سیاسی^۳» و «جنگ داخلی^۴» تغییر یافت. از سال ۱۹۹۵ این دو شاخص با یکدیگر تلفیق شدند و شاخص جدیدی با نام «درگیری داخلی^۵» ساخته شد. تغییرات این شاخص بین ۰ - ۱۲ است.

جدول ۱۹. تغییرات شاخص «خطر بروز درگیری داخلی» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۲/.	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۱۱/.
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۳/.	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۱۱/.
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۳/.	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۱۲/.
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۳/.	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۱۱/.
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۴/.	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۱۰/.
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۲/.	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۹/.
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۵/.	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۷/.
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۶/.	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۸/۵
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۹/.	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۸/.
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۹/.		

منبع: ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

- 1 - Political Violence.
- 2 - Civil war threat.
- 3 - Political terrorism
- 4 - Civil war.
- 5 - Internal conflict.

ط. خطر بروز درگیری خارجی

ICRG درگیری خارجی را چنین تعریف می‌کند: «هجوم و تاخت و تاز، تهدیدات مرزی، نزاعهای ژئوپولیتیکی، شورشهای داخلی برخوردار از پشتیبانی خارجی و بالاخره جنگ تمام عیار». این شاخص ارقام ۰ - ۱۰ را اختیار می‌کند. عدد ده نشان‌دهنده پایین‌ترین ریسک بروز درگیری خارجی (بهترین وضعیت) است.

جدول ۲۰. تغییرات شاخص «خطر بروز درگیری خارجی» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۰/۰	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۱۰/۰
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۰/۰	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۹/۰
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۰/۰	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۹/۰
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۰/۰	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۷/۰
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۰/۰	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۹/۰
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۷/۰	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۹/۰
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۷/۰	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۹/۰
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۹/۰	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۷/۵
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۱۰/۰	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۸/۰
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۸/۰		

منبع : ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

ی. کیفیت دستگاه اداری

این شاخص استحکام و کیفیت دستگاه اداری را به عنوان عاملی که می‌تواند تغییر در سیاستها و برنامه‌ها را به هنگام تغییر دولتها به حداقل برساند اندازه‌گیری می‌کند. یک دستگاه اداری قوی با این ویژگی شناخته می‌شود: «برخورداری از قوت و مهارت لازم برای اداره امور کشور و پیشگیری از بروز تغییرات چشمگیر در سیاستها یا ایجاد وقفه در ارائه خدمات دولتی، عدم وابستگی و اثر پذیری از فشارهای سیاسی و داشتن مکانیزمهای جا افتاده

برای جذب نیروهای جدید». این شاخص ارقام ۰-۶ را اختیار می‌کند. عدد ۶ نشانگر کمترین ریسک ناشی از کیفیت نامطلوب دستگاه اداری است.

جدول ۲۱. تغییرات شاخص «کیفیت دستگاه اداری» در ایران

سال	تغییرات شاخص	سال	تغییرات شاخص
۱۹۸۴ (۱۳۶۳)	۱/۰	۱۹۹۴ (۱۳۷۳)	۲/۰
۱۹۸۵ (۱۳۶۴)	۱/۰	۱۹۹۵ (۱۳۷۴)	۳/۰
۱۹۸۶ (۱۳۶۵)	۱/۰	۱۹۹۶ (۱۳۷۵)	۳/۰
۱۹۸۷ (۱۳۶۶)	۱/۰	۱۹۹۷ (۱۳۷۶)	۳/۰
۱۹۸۸ (۱۳۶۷)	۱/۰	۱۹۹۸ (۱۳۷۷)	۲/۰
۱۹۸۹ (۱۳۶۸)	۱/۰	۱۹۹۹ (۱۳۷۸)	۲/۰
۱۹۹۰ (۱۳۶۹)	۱/۰	۲۰۰۰ (۱۳۷۹)	۲/۰
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)	۱/۰	۲۰۰۱ (۱۳۸۰)	۲/۰
۱۹۹۲ (۱۳۷۱)	۲/۰	۲۰۰۲ (۱۳۸۱)	۲/۰
۱۹۹۳ (۱۳۷۲)	۲/۰		

منبع : ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran

دقت در جداول ۱۲-۲۱ نشان می‌دهد که تغییر در ریسک کلی سرمایه‌گذاری در ایران از دو گونه عوامل ناشی می‌شود: اول، عواملی که ریشه در ماهیت یا عملکرد دولت دارد؛ دوم، عواملی که مستقیماً قابل انتساب به دولت نیستند اگرچه دولت می‌تواند در ایجاد یا عدم ایجاد آنها نقش داشته باشد.

شاخصهای «خطر بروز تنشهای قومی»، «خطر بروز درگیری داخلی»، «خطر بروز درگیری خارجی» از نوع دوم و شاخصهای «ثبات دولت»، «حاکمیت نظم و قانون»، «فساد در دولت»، «میزان پاسخگویی دولت در برابر مردم و نهادهای دموکراتیک»، «خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای و مصادره سرمایه‌گذاری‌های خصوصی توسط دولت»؛

«شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت» و بالاخره «کیفیت دستگاه اداری» از نوع اول هستند.

۵. بانک جهانی

بانک جهانی در سالهای اخیر توجه زیادی به موضوع نهادها داشته است. سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوبتون^۱ در سلسله تحقیقاتی که اخیراً برای بانک جهانی انجام داده‌اند؛ تلاش کرده‌اند تا یافته‌های مؤسسات بین‌المللی برآوردکننده ریسک همچون EIU, Heritage Foundation, PRS, Freedom House و... را در مورد کشورهای مختلف با یکدیگر ادغام کرده و شاخصهای جدیدی در این زمینه معرفی کنند. این محققان کار خود را با طرح این فرضیه آغاز کرده‌اند که «چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آنها حاکمیت در یک کشور اعمال می‌شود، در رشد و توسعه آن کشور مؤثرند». کافمن و همکارانش این «رسوم و نهادها» را Governance نامیده‌اند. و ابعاد مختلف آن را با معرفی ۶ شاخص جدید مورد بررسی قرار داده‌اند. با این تعریف رسوم و نهادها مشتمل بر سه رکن اصلی است:

الف. فرآیند انتخاب دولت، نظارت بر دولت و جایگزینی آن با دولت دیگر(منظور از دولت در این تحقیق، مجموعه نهادها و مؤسسات تقنینی، اجرایی، قضایی و نظارتی و نیز قوانین تنظیم‌کننده روابط میان آنها با یکدیگر و میان آنها با مردم است)؛ ب. ظرفیت و توانایی دولت برای تدوین و اجرای سیاستهای منطقی و صحیح؛ ج. میزان توجه شهروندان و دولت به هنجارهایی که روابط اقتصادی و اجتماعی بین آنها را تنظیم می‌کند.

کافمن و همکارانش براساس تعریفی که از حکمرانی انتخاب کرده‌اند، شاخصهای حکمرانی را در ۶ گروه طبقه‌بندی نموده‌اند. آنها دو گروه از شاخصها را که با نخستین رکن از ارکان سه گانه حکمرانی در ارتباط هستند، تحت دو عنوان یا دو

شاخص کلی، «آزادی شهروندان برای اظهارنظر و قابل حسابرسی بودن دولتمردان»^۱ و «ثبات سیاسی»^۲ جای داده‌اند. این دو شاخص کلی، تلقی شهروندان و صاحب‌نظران از «فرآیند انتخاب دولت، نظارت بر دولت و جایگزینی آن با دولت دیگر» را کمی می‌کنند. شاخص کلی «آزادی شهروندان برای اظهار نظر و قابل حسابرسی بودن دولتمردان» در بردارنده مجموعه‌ای از شاخصهای جزئی‌تر است که به موضوعاتی مانند آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی مربوط می‌شوند. در این شاخص کلی مواردی از این قبیل مندرج است: میزان آزادی مردم برای دخالت در فرآیند انتخاب دولت؛ استقلال رسانه‌های گروهی؛ و...

«ظرفیت و توانایی دولت برای تدوین و اجرای سیاستهای منطقی و صحیح» دومین رکن حکمرانی است. دو گروه دیگر از شاخصها که با این رکن از حکمرانی در ارتباط هستند، تحت دو عنوان یا دو شاخص کلی «کارآمدی دولت»^۳ و «کیفیت قوانین»^۴ جای گرفته‌اند. شاخص کلی «کارآمدی دولت»، قضاوتها و دریافتهای ذهنی را که نسبت به مقولات زیر وجود دارد با یکدیگر ترکیب می‌کند: الف. کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی؛ ب. کیفیت بوروکراسی؛ ج. صلاحیت و شایستگی کارگزاران و د. استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی.

شاخص کلی «کیفیت قوانین» به موارد زیر نظر دارد: الف. حدود و میزان سیاستهای نابازاری^۵ همچون مقررات کنترل قیمتها؛ ب. تلقی مردم، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران از موانع حاصل از وضع مقررات اضافی در زمینه‌هایی مانند تجارت خارجی و توسعه کسب و کار. در نهایت شاخصهای کلی «حاکمیت قانون»^۶ و «کنترل فساد»^۷ به سومین رکن حکمرانی یعنی «میزان توجه شهروندان و دولت به هنجارهایی

- 1 - Voice and Accountability.
- 2 - Political Instability.
- 3 - Government effectiveness.
- 4 - Regulatory Quality.
- 5 - Market – Unfriendly policies.
- 6 - Rule of law.
- 7 - Control of corruption.

که روابط اقتصادی و اجتماعی بین آنها را تنظیم می‌کنند» مربوط می‌شوند. شاخص کلی «حاکمیت قانون» به اندازه‌گیری این موضوع که دولت و مردم، تا چه حد به قوانین موجود در جامعه اعتماد دارند و بر آنها پافشاری می‌کنند؛ می‌پردازد. ذهنیت مردم، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خارجی از «میزان وقوع جرایم»؛ «کارآمدی دستگاه قضایی»؛ «قابل پیش‌بینی بودن نتایج داوری‌ها» و «میزان اجرا پذیر بودن قراردادهای و تعهدات» برخی از مؤلفه‌های عمده هستند که شاخص کلی «حاکمیت قانون» را شکل می‌دهند.

مؤلفه‌های مندرج در شاخص کلی حاکمیت قانون، مفاهیمی هستند که در مجموع میزان موفقیت یک جامعه را در ایجاد محیطی که در آن تعاملات اجتماعی و اقتصادی بتوانند بر مبنای قوانین عادلانه و قابل پیش‌بینی شکل گیرند، نشان می‌دهند.

شاخص کلی «کنترل فساد»، ذهنیت مردم، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خارجی را نسبت به پدیده فساد در کشور اندازه‌گیری می‌کند. براساس تعریف کافمن، کرای و لوبتون، فساد عبارت است از «استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی». در رخداد فساد دو طرف، معمولاً یک طرف یک شهروند یا شرکت خصوصی به‌عنوان متقاضی فساد و طرف دیگر یک کارگزار دولتی به‌عنوان عامل فساد مشارکت دارند. فساد اغلب در شرایطی رخ می‌دهد که متقاضی و عامل فساد از توجه به قانونی که برای تنظیم رابطه میان آنها وضع شده سرباز می‌زنند و این به معنی عدم توفیق دولت در سومین رکن حکمرانی است.

کافمن و همکارانش بر شاخصهایی توجه کرده‌اند که مبتنی بر دریافتهای ذهنی افراد از کیفیت حکمرانی در کشورهاست. در واقع، کافمن، کرای و لوبتون توجه خود را در این تحقیقات، به کمی‌سازی تلقی گروه‌های ذینفع شامل شهروندان، کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خارجی از نحوه اعمال قدرت و حاکمیت در کشورها معطوف داشته‌اند. کافمن و همکارانش اعتراف می‌کنند که این سنخ از اطلاعات، به شدت ذهنی هستند؛ با این وجود به دلایل زیر، استفاده از اطلاعات ذهنی را در شاخص‌سازی برای حکمرانی مهم می‌دانند:

الف. درباره برخی موضوعات، همچون رواج فساد، اطلاعات عینی به دشواری قابل دسترسی است. درحالی‌که چندین شاخص ذهنی برای بررسی این جنبه از حکمرانی وجود دارد؛ ب. تلقی از نحوه حکمرانی ممکن است به اندازه تفاوت عینی میان نهادها در کشورهای مختلف، مهم باشد. برخورداری یک کشور از مجموعه نهادهای سالم و منطقی به تنهایی کافی نیست و برای اینکه این نهادها در بهبود حکمرانی مؤثر واقع شوند، باید شهروندان به نهادهای مزبور «اعتماد» داشته باشند و اعتماد یک مقوله ذهنی است و ج. تحقیقات نشان داده است که دریافتهای ذهنی می‌توانند عملکرد اقتصادی آینده را به صورت قابل توجهی توضیح دهند و به همین دلیل باید مورد توجه قرار گیرند.

کافمن، کرای و لوبتون تاکنون کار خود را یکبار برای سال ۱۹۸۷ - ۱۹۹۷ و بار دیگر برای سالهای ۲۰۰۰ - ۲۰۰۲ تکرار کرده‌اند. این محققان با استفاده از روش خاص کلیه اطلاعات موجود درباره یک کشور خاص را همگن‌سازی و جمع می‌کنند و آنها را در قالب ۶ شاخص جدید ارایه می‌نمایند. نتیجه این کار، افزایش امکان مقایسه میان کشورهاست. هریک از ۶ شاخص مورد بحث می‌توانند مقادیر ۲/۵- (بدترین وضعیت) تا ۲/۵+ (بهترین وضعیت) را اختیار کنند. جدول ۲۲ نمرات ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۲۲. نمره ایران در شاخص شش گانه مطرح شده در گزارش بانک جهانی

ردیف	شاخص	۱۹۹۷/۱۹۹۸	۲۰۰۲/۲۰۰۱
۱	حق اظهار نظر مردم و قابلیت حسابرسی دولتمردان	-۰/۵۶	-۰/۳۶
۲	ثبات سیاسی	-۰/۱۳	۰/۰۲
۳	کارآمدی دولت	-۰/۳۴	-۰/۲۱
۴	کیفیت قوانین و مقررات	-۱/۲۵	-۱/۰۷
۵	حاکمیت قانون	-۰/۳۶	-۰/۳۹
۶	کنترل فساد	-۰/۸۵	-۰/۶۴

منبع: ICRG,PRS,Group,Country Data Wizard, Iran:

دقت در ارقام مندرج در جدول ۲۲ نکات بسیار مهمی را در رابطه با تصویری که نهادهای بین‌المللی و مؤسسات برآوردکننده ریسک و به تبع آنها سرمایه‌گذاران خارجی از ایران دارند روشن می‌سازد. این گزارش از دو جهت حائز اهمیت است: نخست اینکه گزارش کافمن، کرای و لوبتون اصولاً گزارش مستقل نیست. بلکه نوعی تلخیص و جمع‌بندی گزارشهای دیگر محسوب می‌شود. به همین دلیل، از اهمیت مضاعف برخوردار است.

دومین درجه اهمیت این گزارش، توجه اکید آن به ماهیت و عملکرد دولتهاست. جدول ۲۲ نشان می‌دهد که از دیدگاه تهیه‌کنندگان این گزارش و منابع مورد استفاده آنان: نخست ایران در کلیه شاخصها از وضعیت نامطلوبی رنج می‌برد؛ دوم. کیفیت نامطلوب قوانین و مقررات مهم‌ترین نقطه ضعف سیستم سیاسی - اقتصادی کشور ما محسوب می‌شود. پس از آن فساد، عدم حاکمیت قانون، ضعف توسعه سیاسی (ناکافی بودن حق اظهار نظر برای مردم و قابلیت اندک حسابرسی از دولتمردان) و ناکارآمدی دولت به ترتیب، دیگر آسیبهای سیستم به شمار می‌روند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: تلفیق گزارشهای مؤسسات برآوردکننده ریسک درباره عوامل ناامن‌کننده محیط سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران

گزارشهای برآوردکنندگان ریسک درباره ریسک سرمایه‌گذاری در ایران، حاوی نکات مهم و آموزنده‌ای است. قبل از اینکه به جمع‌بندی بپردازیم، به این نکته مهم توجه می‌کنیم که امروزه توجه به ارزیابی مؤسسات معتبر و مشهور برآوردکننده ریسک از میزان و چگونگی ریسک در کشورهای مختلف، به یک «فرهنگ» و «پیش‌نیاز» در میان سرمایه‌گذاران بین‌المللی تبدیل شده و سرمایه‌گذاران به دلیل اعتمادی که به مؤسسات مزبور دارند، قبل از تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری در یک کشور، به گزارشهایی که برآوردکنندگان بین‌المللی ریسک از اوضاع و احوال آن کشور ارایه می‌دهند، مراجعه می‌کنند. اگرچه احتمال ارایه گزارشهای غیرواقعی و مغرضانه از

سوی این مؤسسات منطقاً منتفی نیست و مؤسسات مزبور ممکن است تحت برخی فشارهای سیاسی به تهیه گزارشهای غیر واقعی در مورد یک کشور اقدام نمایند، با این وجود مادامی که سرمایه‌گذاران بر استفاده از گزارشهای این مؤسسات اتفاق نظر دارند، هیچ کشوری نمی‌تواند نسبت به مؤسسات مزبور و گزارشهای آنان، بی‌تفاوت باشد. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست.

از نگاه سرمایه‌گذاران بین‌المللی، امنیت سرمایه‌گذاری زمانی در ایران وجود خواهد داشت که مؤسسات برآورد کننده ریسک، ایران را «امن» اعلام کنند؛ و مؤسسات مزبور، زمانی حضور امنیت در ایران را تأیید خواهند کرد، که عناصری که به‌زعم آنها موجب نا امنی در اقتصاد ایران شده است از میان برود. بنابراین، مطالعه دقیق و موشکافانه گزارشهایی که مؤسسات برآورد کننده ریسک در سالهای اخیر در مورد ایران منتشر ساخته‌اند و شناسایی عناصری و عوامل نا امن کننده محیط کسب و کار و سرمایه‌گذاری در ایران مسیر حرکت آتی ما را در جهت «امن سازی محیط کسب و کار و سرمایه‌گذاری» روشن خواهد کرد.

با دقت در مفاد گزارشهای مختلف که در متن این مقاله به نقل از مؤسسات بین‌المللی ارایه شد، می‌توان عوامل «امنیت‌زدا» در اقتصاد ایران را در پنج حوزه اصلی به شرح زیر طبقه‌بندی نمود :

۱. حوزه مسائل اقتصادی

۱-۱. مداخلات غیر منطقی دولت در اقتصاد

الف. وضع مقررات «اضافی» در زمینه کسب و کار داخلی و تجارت خارجی؛ ب. دخالت غیر ضروری در بازار کالاها و خدمات توسط دولت از طریق قیمت‌گذاری‌های بی‌مورد؛ ج. دخالت غیر ضروری دولت در بازار کار از طریق تعیین حداقل مزد؛ د. اعطاء یارانه به شکلی که به انحراف قیمتها منجر شود؛ هـ. وضع تعرفه‌های غیرمنطقی؛ و. ایجاد موانع غیرتعرفه‌ای؛ ز. اعمال نفوذ دولت بر فرآیند تخصیص اعتبار و ح. وضع و اجرای سیاستهای نابازاری.

۱-۲. ساختار اقتصاد کشور

الف. وابستگی به نفت؛ ب. وجود بانکهای دولتی و ناکارآمد بودن نظام بانکی؛ ج. وضعیت نامطلوب و غیرمطمئن ترانز پرداختها و ذخایر ارزی؛ د. تورم مزمن و نگرانی‌های مربوط به رشد عرضه پول؛ ه. کسری بودجه مستمر؛ و. ناکارآمد و غیر شفاف بودن بازار کار؛ ز. بدهی‌های خارجی؛ ح. بزرگ و پرهزینه بودن دولت؛ ط. نظام مالیاتی ناکارآمد و دست و پاگیر؛ ی. توان اندک در طراحی و اجرای سیاستهای اقتصادی صحیح و منطقی؛ ک. ناکافی و غیرمطمئن بودن زیرساختهای مورد نیاز برای کسب و کار در کشور؛ ل. تدارک نامناسب و کیفیت نامطلوب خدمات عمومی و م. فراهم بودن زمینه برای قاچاق گسترده کالاها و خدمات.

۲. حوزه مسائل سیاسی

الف. محدودیت احزاب؛ ب. نظارت استصوابی شورای نگهبان قانون اساسی و دموکراتیک نبودن فرآیند انتخابات؛ ج. عدم امکان استیفای کامل حقوق شهروندی از جمله آزادی بیان؛ د. کنترل دولت بر رسانه‌های همگانی؛ ه. نارضایتی مردم از عملکرد حاکمان معطوف به مشکلات اقتصادی از جمله بیکاری و تبعیض و. منازعه لجام گسیخته میان گروه‌های سیاسی رقیب برای کسب قدرت و ز. ناکافی بودن ثبات سیاسی.

۳. حوزه مسائل حقوقی

الف. شفاف نبودن قراردادها و تعهدات و در مواردی اجرا ناپذیر بودن آنها؛ ب. کیفیت نامطلوب قوانین؛ ج. کارآمد نبودن روشهای حراست قانونی از مالکیت خصوصی؛ د. وجود راه‌های به ظاهر قانونی برای سلب مالکیت از اشخاص توسط دولت؛ ه. محدودیت شدید برای مالکیت خارجی در داخل کشور؛ و. وجود محدودیت در مقابل صنایع و شرکتهای داخلی برای همکاری مطلوب با سرمایه‌گذاران خارجی؛ ز. محدودیت بانکهای خارجی برای افتتاح شعبه در ایران؛ ح. برخورد دوگانه قانون با

سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛ ط. الزام‌آور نبودن حاکمیت خارجی در موارد اختلاف در اجرای قراردادها و ی. محترم شناخته نشدن حقوق مالکیت معنوی در تئوری و عمل.

۴. حوزه مسائل قضائی

الف. کارآمد نبودن دستگاه قضایی؛ ب. قابل پیش‌بینی نبودن نتایج داورها؛ ج. زمان‌بر بودن فرآیند دادرسی؛ د. فساد در دستگاه قضایی و ه. عدم استقلال دستگاه قضایی از فشار دولت به معنی عام.

۵. حوزه عملکرد دولت

الف. خطر بی‌اعتنایی دولت به قراردادها و مصادره سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی؛ ب. پاسخگو نبودن دولت به معنی عام به مردم و نهادهای دموکراتیک در قبال عملکرد خود در حوزه‌های مختلف؛ ج. بی‌توجهی به ضرورت بکارگیری کارگزاران شایسته برای تصدی مشاغل کلیدی و حساس؛ د. ناتوانی دولت در تدوین و اجرای سیاستهای منطقی و صحیح؛ ه. شکاف میان انتظارات مردم و عملکرد اقتصادی دولت و و. فساد در دستگاه اداری.

۶. حوزه مسایل امنیت داخلی و بین‌المللی

الف. سیاست خارجی امنیت‌زدا؛ ب. بروز درگیری‌های قومی در داخل؛ ج. خطر بروز درگیری‌های خارجی و د. رویارویی ایران با ایالات متحده آمریکا. تلاشهایی که برای امن‌سازی محیط اقتصاد ایران انجام می‌شود، باید به گونه‌ای سامان و جهت‌دهی شود که به تصحیح تدریجی علامتهای فوق‌الذکر منتهی شود. مؤسسات بین‌المللی برآوردکننده ریسک با مشاهده تغییرات مثبت در هریک از این عوامل ۵۴ گانه، ارزیابی خود را از میزان امنیت در محیط کسب و کار و

سرمایه‌گذاری در ایران، بهبود خواهند بخشید و این امر از طریق جلب اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران، به جذب سرمایه‌های خارجی و جلوگیری از فرار سرمایه‌های داخلی ممکن خواهد شد.

منابع و مأخذ:

۱. باری‌پر، جولیان (۱۳۶۳)، *اقتصاد ایران (۱۳۷۹-۱۳۴۹)*، تهران، مؤسسه حسابرسی، سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه و بودجه.
۲. دفتر اقتصاد کلان (۱۳۷۶)، *مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی - اجتماعی تا سال ۱۳۷۵*، تهران، سازمان برنامه بودجه.
3. EIU (1998) , "Country Forecasts" , 2nd Quarter , iran.
4. _____ , "Country Risk Service" , vol from 1995 to 2003, Iran.
5. Fabricius Michael(1998) , "The Impact of Economic Security on Bank Deposits and Investment" , *IMF Working Paper*.
6. Heritage Foundation(2002), "Annual Index of Economic Freedom".
7. Kaufmann Daniel, Kraay Aart and Lobaton Pablo-Zoido(1999) , "Governance Matters" , *World Bank*.
8. _____ (2002), "Governance Matters ii , Updated Indicators for 2000/2001" , *World Bank*.
9. Poirson Helen(1998) , "Economic Security , Private Investment and Growth in Developing Countries" , *IMF Working Paper , WP/9814*
10. Political Risk Service (PRS) , "International Country Risk Guide (ICRG) " , *Investment Business with Knowledge (IBC) , U.S.A*
11. World Bank(2002), "World Development Indicators".